

تجربه‌های پیشرو

تفاوت‌های فردی دانش‌آموزانش، برنامه‌های متنوعی داشته باشد تا بستر خودیادگیری عمیق و پایدار برای همه فراهم شود، در حالی که بتوان به فرایندهای آن کاملاً اعتماد کرد.

مدرسه‌ی منعطف در گامی رو به جلو مدرسه‌ای است که در پوشش دادن تفاوت‌های فردی، برنامه‌اش را به گونه‌ای بهبود می‌دهد که هر دانش‌آموز، در زمان متناسب با خود، برنامه‌ی رشد خود را دنبال می‌کند. مدرسه‌ی نوآور نیز در پی مدرسه‌های بهره‌ور، کیفی و منعطف، مدرسه‌ای خواهد بود که علاوه بر آموزش، ویژگی‌های متمایز دیگری را نیز برای مخاطبان خود داشته باشد، شاید از نوع حل مسائل جامعه. ساختارهای موجود در آموزش و پرورش ایران، گاهی می‌توانند به شکل‌گیری زیرساخت‌های مدرسه‌ی بهره‌ور کمک کنند.

آموزش و پرورش فعلی ایران به صورت متمرکز برنامه و کتاب‌های درسی و زمان‌بندی ارائه‌ی آن‌ها را تنظیم می‌کند. همچنین این نهاد آیین‌نامه‌های اجرایی برای نقش‌های درون مدرسه دارد و برنامه‌ی آموزشی بدو و ضمن خدمت معلمان را توسعه و اجرا می‌کند و برای تشخیص وضعیت خود، از

آمده بودیم، نقطه‌ی آغاز را مدرسه‌ی کیفی می‌دیدیم. هر نظامی در مسیر رشد، ابتدا خود را در قالب نظام بهره‌ور شکل می‌دهد و در گام بعدی تلاش می‌کند نظامی کیفی باشد. گام سوم نظام منعطف است و در نهایت این روند، دستیابی به معیارهای یک نظام نوآور قرار دارد.

در یک مدرسه‌ی بهره‌ور، انتظار آن است که مدرسه اعم از دولتی و غیردولتی، سازوکاری را طراحی کرده باشد که بتواند بودجه‌ی موردنیاز خود را در قالب درآمدی مستقیم یا غیرمستقیم، به میزانی به دست آورد که هزینه‌های اجرایی خدمات، اطلاع‌رسانی و بازاریابی و همچنین تحقیق و توسعه‌ی آن را تأمین کند. مدرسه‌ی کیفی مدرسه‌ای است که دایره‌ی خدمات خود را به گونه‌ای گسترش می‌دهد که تنها به یک تک‌برنامه‌ی آموزشی متکی نباشد؛ بلکه متناسب با

دکتر سارا سلیمی نمین

مؤسس مرکز نوآوری وابسته به مدرسه و عضو هیئت‌علمی دانشکده‌ی مدیریت دانشگاه

صنعتی امیرکبیر

دکتر آمنه سلیمی نمین

مدیر مدرسه و پژوهشگر تربیت دینی

ما با تلفیق نگاه نظام‌مند و تحول بنیادین مدرسه‌ای کیفی را شکل دادیم. از تجربه‌های حل مسئله‌ی خود شروع کردیم و کاشت‌های انجام‌شده در تحول بنیادین را همسو با تجربه‌هایمان دیدیم. سفری هم در شناخت رویکردهای یاددهی‌یادگیری داشتیم تا تطبیقی بین ابزارهای در دستمان با فلسفه‌ی تربیت و در سطحی دیگر، علوم تربیتی، داشته باشیم. حالا وقت آن بود که مدرسه را در ذهن خود بسازیم تا بتواند به اجرا در آید. ما که از دنیای مشاوره‌ی مهندسی صنایع



برخی سازوکارهای ارزیابی بهره می‌گیرد؛ اما همان‌طور که می‌توانید پیش‌بینی کنید، این زیرساخت‌ها برای مدرسه‌ی بهره‌ور لازم هستند؛ اما کافی نیستند. در چنین ساختار متمرکزی زمینه‌ی رشد درون‌زا، برای هر تک‌مدرسه‌ای میسر نمی‌شود و در نتیجه زمینه‌ای برای رشد به‌سوی مدرسه‌ی کیفی نیز در دسترس نخواهد بود. تسلط به برنامه و محتوای آموزشی و امکان تغییر آن بر اساس تفاوت‌های دانش‌آموزان هر محله، با بودجه‌های تحقیق و توسعه‌ی درون‌مدرسه‌ای، حداقل‌های ورود به مدرسه‌ی کیفی است.

برای شناخت مدرسه‌ی کیفی نخست باید تعریفی دقیق برای شاخص‌های ارزیابی وضعیت این نوع مدرسه‌ها ارائه کنیم. اگر مدرسه‌ی کیفی را مدرسه‌ای بدانیم که در آن یادگیری عمیق برای هر دانش‌آموزی فراهم می‌شود، زمینه‌ی تعریف اولین شاخص موفقیت را ایجاد کرده‌ایم. در سفری در رویکردهای یاددهی‌یادگیری، یادگیری عمیق را نتیجه‌ی رویکردهای شناختی و بساختی یافتیم که می‌تواند دانش‌آموز را در مسیر خودیادگیرنده‌ی اکتشافی رشد دهند. پس اولین شاخص‌های کلیدی

عملکرد خود را نشان می‌دهند. برخی از معیارهای نشان‌دهنده‌ی عملکرد مدرسه‌ی کیفی عبارت‌اند از: توان دانش‌آموزان در شناخت، ساخت و دنبال کردن مسیر خودیادگیری اکتشافی مبتنی بر استعداد و علاقه‌های خود، توان دانش‌آموزان در تشخیص، تعریف و حل مسائل دنیای اطراف متناسب با دانش و تجربه‌ی پایه‌ی تحصیلی مرتبط با آن‌ها.

در یک مدرسه‌ی کیفی انتظار داریم نتیجه‌ی عملکردها ثابت باشد و با شیب منطقی بهبود یابد. نتیجه‌ی اثبات خروجی استقرار فرایندهای شفاف است. از این‌رو در مدرسه‌ی کیفی، فرایندهای مستقرشده را نیز بررسی می‌کنیم و حداکثر تلاشمان این است که محدودیت‌ها در اجرای فرایندها کم شوند. فکر کنید که شما یک فرایند دقیق برای طراحی تجربه در شناخت و حل مسائل داشته باشید؛ اما اجرای آن وابسته به معلم باشد، یا هر تغییری در برنامه‌ی معلم، کیفیت مدرسه از ثبات خارج خواهد شد. چه پیشنهادی برای حل این مسئله خواهید داشت؟

یادگیری ترکیبی یکی از پاسخ‌های جوامع نوین به چنین سؤالی است. هر مدرسه‌ای

می‌داند که عملکرد آن وابسته به آمادگی و توانمندی معلمان و دانش‌آموزان است. گاهی به اشتباه برای بالابردن کیفیت، تنها بر گزینش و انتخاب دقیق‌تر سرمایه‌های انسانی تمرکز می‌شود که این تمرکز حتی گاهی تفاوت‌های فردی موردانتظار در دانش‌آموزان و معلمان برای فراگیری نظام آموزشی را از آن حذف می‌کند؛ اما در سر دیگر طیف، راه‌های دیگری برای تضمین ثبات فرایند و به‌تبع آن، تضمین کیفیت وجود دارد.

در یادگیری ترکیبی، فناوری آموزشی در خدمت یادگیری قرار می‌گیرد و زمینه‌ی تجربه‌های متنوع باثبات در قالب فیلم‌ها، بازی‌های رومیزی و دیجیتال و آزمایشگاه‌های تخصصی واقعیت‌افزوده فراهم می‌شود. در چنین رویکردی، دو نقش برای معلم تعریف می‌شود؛ معلم تسهیلگری است که از بسته‌های طراحی‌شده توسط فناوری‌های آموزشی به‌موقع و به‌تناسب در کلاس خود بهره می‌گیرد و پیوند بین آن‌ها را با دنیای واقع برای دانش‌آموزان به‌گونه‌ای فراهم می‌کند تا نتیجه‌ی نهایی در تعریف و حل مسائل دنیای واقعی به دست آید. به عبارتی، معلم کسی است که متناسب با دانش‌آموزان خود، برنامه‌های متنوعی از ترکیب یادگیری حضوری و مجازی دارد. از سوی دیگر، معلم می‌تواند نقش طراح را در فناوری آموزشی به عهده بگیرد و در طراحی و توسعه‌ی بسته‌های یاددهی‌یادگیری نقش محتوایی داشته باشد و با چنین تجربه‌هایی خود را به نقش معلم کارآفرین نزدیک کند.

برای ساخت مدرسه‌ی کیفی، شتاب‌دهنده‌ای برپا کرده‌ایم که معلم کارآفرینان را گرد هم جمع آورد تا بتوانند بازی‌های رومیزی، قصه‌ها و پویانمایی‌هایی را به‌عنوان بستر تجربه‌ی دانش‌آموزان در قالب یادگیری ترکیبی فراهم کنند تا هم دانش‌آموزان آب و آینه از آن‌ها بهره بگیرند و هم هر دانش‌آموز ایرانی در سراسر کشور. این معلم کارآفرینان دور هم جمع شدند تا حرکت از فرایندهای ناپایدار را به سوی فرایندهای باثبات طراحی کنند و چنین شد که شتاب‌دهنده‌ی آب و آینه، شتاب‌دهنده‌ای شد در زیست‌بوم اقتصاد دانش‌بنیان. امروز آب و آینه یکی از تجربه‌های پیشرو، در بهره‌گیری از تفکر نظام‌مند نظام نوآوری و زیست‌بوم اقتصاد دانش‌بنیان، برای اجرای تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش است.

